



هادی دقیق

دوران تاریخی خراسان فرازوفروند فراوان داشته است. در این میان، شواهد و سبده های باستان شناسی دو دوره اشکانی و ساسانی نسبت به دوره های پیش از آن بیشتر است. برای درک و توضیح فرهنگی و جایگاه ساسانیان و اشکانیان در شمال خراسان، شناخت پایگاه های آن حاضروری است. خراسان علاوه بر موقعیت جغرافیایی سیاسی اش در آن دوران، آنجا که کانون شکل گیری حکومت اشکانیان و سپس شاهد حضور بزرگ ساسانیان بوده، از زمین های اصلی بازی های سیاسی برای تاریخ گردان آن زمان بوده است.

توسعه قلمرو و حفظ آن از تهاجم بی امان اقوام شرقی، همچنین حضور خراسان در شاهراه کلیدی شرق به غرب و نظارت بر تبادلات تجاری این منطقه، دو موقعت منطقه را پدیدآور و لزوم تأمین امنیت استقرارگاه‌های آن را دوچندان می‌کرده است. همین‌ها هم موجب شده بود مرزهای خراسان دائم تغییر کنند. با این تفاسیل، شناخت کارکرد قلعه‌های ساسانی و آشنایی به درک بهتر فضای حاکم آن دوره کمک می‌کند، قلعه‌هایی که شاخص ترین معماری بازمانده آن دوره آن هستند و گرچه چندان سرپا نیستند، بررسی پادان و ریخت شناسی آن‌ها، اطلاعات خوبی به دست می‌دهد.

پیش تر، از سال ۱۳۴۵ بررسی‌های پراکنده‌ای به همت عزت‌الله ننگیان، باستان‌شناس و به گفته پریزایان باستان‌شناسی ایران، این منطقه انجام شده بود. اما اطلاعاتی که از مطالعات و کاوش‌های بعدی به دست آمده، سنگ‌بنای آشنایی با این قلعه‌های تاریخی شده است. کوه‌های کپه‌داغ در شمال خراسان و جایی که مرز ایران و ترکمنستان است، جغرافیایی ویژه ایجاد کرده‌اند. شاید بتوان گفت شاخص‌ترین بنای این منطقه که مربوط به دوران پارینه‌ساخته است، اگر شهر تاریخی نسا داخل مرز ترکمنستان و آس‌نوی رشته کوه‌های کپه‌داغ است. اما در محدوده خراسان ایران نیز پراکندگی بناهای این دوره، هرچند نه به اهمیت نسا، کم نیست. تقریباً به موازات کپه‌داغ/هزارمسجد رشته کوه‌های دیگری است به نام آلا‌آغ/اینبالود. امروز جاده قوچان به فاروج و شیروان در دست میان آن دو می‌گردد. این منطقه که به شکل گذرگاهی مهم دسترسی شمال به جنوب خراسان است، در این دوره نیز اهمیتی ویژه داشته است. این گذرگاه و حوضه‌های آبریز آن که حاشیه کشف‌رود و رود اترک نیز از آن جمله‌اند، حوزه جغرافیایی مطلوبی برای استقرارهای این دوره شکل دادند، استقرارهایی که به فراخور همین موقعیت، در مکان‌های مناسب برای کشاورزی و دام‌داری ایجاد شده‌اند و تأمین امنیت آن‌ها و این گذرگاه پرترد، ضروری بوده است.

پایکامهای شمال خراسان در دوره اشکانی و ساسانی

باباستان شناسان در گذرگاه کپه‌داغ-آلاداغ شانزده محوطه تاریخی مربوط به این دوران یافته‌اند. بیشتر کاوش‌نگاری این سایت‌ها بربراساس سفال‌ها یافت شده و بررسی‌های طبیعی است و شامل قلعه‌های کوهستانی و قلعه‌های دشتی هستند که بیشتر آن‌ها را قلعه‌های دشتی تشکیل می‌دهد. دو قلعه سرگ و راب در قوچان، از نمونه قلعه‌های کوهستانی این منطقه هستند که اشراف بسیار خوبی به دشت اطرافشان دارند و دیده‌بانی از آن‌ها آسان بوده است. وسعت و پلان این قلعه‌ها را بناچار، محدودیت‌های محیط تعیین می‌کرده است؛ یعنی اگر در ارتفاع آن‌ه فضا مناسبی برای ساخت‌وساز وجود داشته، این فضا در نقشه رد پنا بنا اثرگذار بوده است.

قلعه سنگر تقریباً پلانی مربعی دارد با طرحی ناقص و قلعه سرباز نیز سازه‌ای باربیک و کشیده است. هر دو این قلعه‌ها برج‌های دیده‌بانی دارند. این رسمیه به قلعه‌های دشتی. این قلعه‌ها به صورت منفرد ساخته شده‌اند یا در یک محوطه استقرار یا محصور نیست، قلعه ساخته‌اند یا در کل، محوطه استقرار و قلعه هر دو در حصار هستند. دو تپه چالاک و رش در دسته قلعه‌های دشتی منفرد قرار می‌گیرند. اولی تخریب شده است و رسماً زیر روستایی به همین نام است و دومی هم در وسط جاده رسیدن به قلعه روستاست. به‌جز این‌ها عوامل دیگری این دو تپه را حساسی تخریب کرده‌اند. دسته دیگر، محوطه‌های استقرار می‌مونه دوره قلعه هستند که حصار ندارند. این گونه قلعه‌های دشتی، وسعت بیشتری از دو نوع دیگر دارند. اما در هیچ کدام از آن‌ها آثار و سازه‌ای از برج و بارو در گردآوردن مشاهده نمی‌شود. بیشتر این قلعه‌ها، پلانی مربعی دارند و فقط در چند نمونه شواهدی بر خرف خندق در اطرافشان یافت شده است. دسته آخر قلعه‌های دشتی شامل محوطه استقرار در میان برج و بارو و حصار است که ارگی نیز در آن ساخته‌اند. ساختار چهار گوش، برج دیده‌بانی، خندق، ارگ و بخشی استقرار از ویژگی‌های این قلعه‌هاست. قلعه دو محوطه ویران‌شهر و فیض‌آباد، بهترین نمونه‌های این دسته هستند. نکته دیگر درباره این قلعه‌ها، این است که بیشتر آن‌ها در مرز شرقی شاهر قرار دارند.

در فکر ایجاد می‌کنند که با یاری سکو خاسته‌ها و دانه‌های یوشی پشته‌ای طبیعی و بلکه تپه‌های قدیمی‌تر به‌هرحال با وجود شواهدی از این‌انواع قلعه‌سازی در دوره‌های غرب و حتی گران و شمال کپه‌داغ، این احتمال دور از ذهن نیست که برای یافتن چشم‌انداز بهتر، قلعه‌ها روی سکو بنا شده باشند. خشت و گل نیز مصالح یونگی منطقه است که به همه‌ها راه استفاده داده‌است. جدا از این‌گونه در مناطق کوهستانی سنگ نیز کاربرد داشته‌است. این تنوع قلعه‌ها در این گذرگاه، کارکرد هر کدام را نیز متفاوت می‌کرده، احتمال اینکه مثلاً قلعه‌های کوهستانی نقش اطلاع‌رسانی و تحولات اطراف را به قلعه‌ها دشتی داشته باشند، دور از ذهن نیست یا حتی قلعه‌های منفرد دشتی می‌توانستند بخشی از ساختار اداری اجتماعی مانند راه‌دارخانه، چارخانه و... باشند. یا اینکه قلعه‌های محصور، منطقه حاکم‌نشین بوده‌اند و مردم عادی نیز در کنار آن حوضرو داشته‌اند. این تفاسیل، امپدوریم را برآیند کارهای بی‌شمار در این مناطق انجام شود و نقش کلیدی گذرگاه نسبتاً باریک کپه‌داغ-آلاذاغ نیز مشخص شود.

منبع: «گونه‌شناسی قلعه‌های اشکانی و ساسانی شمال خراسان»،
آریتا میرزایی، فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی پارسه،
تابستان ۱۳۹۹.

نمایی از حرم مطهر و شهر مشهد در دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی



۱۹ شعبان ۴۲۶ قمری) قافیه را باخت و چندی بعد، هنگام گریز به هندوستان، طبق روایت «گردیزی»، در «باط مار یگله» (در ساحه‌ی الاول ۴۲۲ قمری) به دست گروهی از سپاهیان شاهی که به ثروت و غنایم و ی چشم طمع دوخته بودند، به قتل رسید و با مرگ او، اضمحلال غزنویان نیز آغاز شد. عمر این دودمان تا سال ۵۴۷ قمری و عهد بهرام‌شاه غزنوی که به صورت محدود بر سرزمین و اطراف آن حکم می‌راند، دوام آورد اما غزنه به دست قطب‌الدین غوری، مشهور به «جهانشوز» پایان گرفت.

میان فرزندان وی، محمد و مسعود، گویي ستاره اقبال غزنويان نيز غروب كرد. مسعود هرچند در جنگاوري به پدر شباهت داشت، هرگز كياست و هوش وي را دارا نبود و بعد از كار زدن برادرش محمد، به جان كساني افتاد كه پيش تر، از برادرش براي رسيدن به فرمانروايي حمايت مي كردند؛ افرادی مانند «حسنگ وزير» كه بيهقي داستان «برادر كردن» او را به تفصيل در كتاب ارجمند خود آورده است. مسعود نيز، پس از قريب ۱۰ سال حكومت، سرانجام در برابر سلجوقيان و در نبرد نزديك «نسا» (در

کاربزر شهر و وقف یکی از قدیمی ترین قرآن های آستان قدس رضوی، بخشی از این خدمات است. گرچه دوره غزنوی یکی از ادوار ویژه تاریخ مشهد محسوب می شود که تا به حال کمتر به آن پرداخته شده است. هرچند که شروع اقتدار غزنویان با آغاز حکومت سبکتگین در سال ۳۶۶ قمری پیونده خورده است. بی تردید این سلطان محمود بود که غزنویان را به اوج اعتلا رساند و سه دهه حکمرانی با لامنازع او در ایران شرقی، اقتدار فراوانی برای این نودمان در برپا داشت. با مرگ محمود و شروع کشمکش

مرضیه ترابی | جایگاه مقدس شهید سبب شده است تا در ادوار مختلف تاریخی شاهان، درباریان، چهره‌های علمی، سرمایه‌داران و حتی عام‌ترین مردم از هر گروه و فرقه و نژاد به فراخور وسعتان در شکوه و جلال هر چه بیشتران بکوشند. یکی از این ادوار را که می‌توان ردپایی از عمران و آبادانی شهید و به‌ویژه حرم مطهر رضوی که نقطه پیکار این دربار است، در آن مشاهده کرد. حرم غزنویان است. ساخت نخستین گلدسته عرصه مطهر، سقف ستون خوردن مسجد بالاسی به عنوان قدیمی‌ترین مسجد مشهد، احیای

تاریخ مطرح می شود، بیشتر مربوط به
تخصص وی یا میلان اسماعیلی است که
از سال ۲۹۷ قمری، حکومتی مستقل را
در مصر با نام «خلافت فاطمی» تشکیل
داده و خلیفه عباسی بغداد، باب عدایت
را گشوده بودند و در بخش های شرقی
سرزمین های اسلامی به «قرمطی» شهرت
داشتند. امام رضا^(ع)، پیشوای هشتم
شیعیان اثنی عشری، بودند که در آن دوره
به دلیل رویکردهای توأم با تقیه، کمتر در
مضامین اتهام و هجمه دشمنان قرار
می گرفتند.

دوم اینکه، به قول زنده یاد استاد دکتر علی اکبر فیاض در مقاله جذاب «خبری از مشهد هزار سال پیش» (نامه آستان قدس، شماره ۳) «مشهد طوس هم از روز

کنند،
ام چه
سمنی
سرشی
ردان
حرم
نایان
هزار
ختیار
برای
مقدمه
نشان
ن در

شده بود. مرحوم گلچین معانی مصور بن محمد بن کتیر می گفت: «در عهد سلطان محمود غزنوی و صاحب دیوان بوده و در عهد مسعود به وراثت بهیقتی: بد-عرض (اداره کننده امور مربوط به جنگ و سپاه و جنگ) می نشست و امر درباب لشکر باوی سخن می گفت» [ابن کثیر] صاحب دیوان خراسان بنابر این در دوره محمود غزنوی در مشهد می زیاده، نهضت ساخت و ساز بود که به ترقی طریقت مشهد در آن زمان به کمک بارتی، افزایش شد و زمین را به حال مجاوران و ازادان آن فراهم می نمود.

طوس فی شهر
سمن و ثلثما به
ضاته لایاب و
له و ابوالدیه
ابوالقاسم [رد]
در طوس، در
در راه خواند
[این مصحف
نمود، بخندید
نخواهد رسید.
ش را بیاورد!]
بر حم رضی،
و توجه به این
غزنی همه گیر

گزارش‌ها و اسناد تاریخی چه می‌گویند؟
وجود همه فراز و فرودها، مشهد در دوره محمود و مسعود غزنوی، یعنی وزیرگار اعتماد ابن دودمان، یکی از اوار مهم توسعه عمرانی خود را تجربه کرد، توسعه‌ای که البته ریشه در عهد امانی و تکاپوی افرادی نظیر ابومنصور سعد بن عبد الرزاق طوسی (مقتول حدود ۵۰ قمری) و نیز ابوالحسن بن ثقیف بن عبد... مشهور به فائق خاصه، از احب منصب اندلسی الاصل دربار امانی داشت. ابوالفضل بیهقی در باره یمنی خود، به موضوع اهتمام اولیای دولت غزنوی در عهد محمود و مسعود، توجه نشان می‌دهد و ضمن بررسی خدمات ابوریحی بن معز، مشهور به «صاحب دیوان» و دولتمدار مشهور دربار غزنوی، می‌نویسد: «مشهد علی بن موسی الرضا» که بویکر شهید، که خداای فائق خاصه ادم، آبادان کرده بود، سوری در آن هادات‌های بسیار فرموده بود و مناره‌ای در دهبی خرید فاخر و وقف آن کرد، بیهقی در جایی دیگر از اثر سترگ خود، ابوالحسن عراقی دبیر، یکی دیگر از بلمتردان عهد محمود و مسعود غزنوی، هم در زمره فعالان توسعه مشهد الرضا نویسی می‌کند: «ابوالحسن عراقی دبیر» شعبان سال ۴۹۹ قمری در گذشت. شمعان کرد چنان‌ها را به مشهد سبت بن موسی الرضا»^(۱) به‌شاد در آنجا دفن شدند و مال این کار را در حیات خود بداده و در کاربزمشهد را که خشک شده بود، باز آن کرده و کاروان سرای برآورده و دهیبه مستقل سبک خراج بر کاروان سربو کاربزمشهد و من در سنه ۴۳۱ قمری (دو سال بعد از درگذشت عراقی) که به طوس شتم و تربت رضا، راضی... عننه، زیارت مردم است در طایق پنج گز از زمین طاق و اوارا زیارت کردم.

توجه به تاریخ درگذشت ابوالحسن راقی دبیر، مسجدی که ظاهراً همین مسجد بالاسر در حرم رضوی است، در میان وی ساخته شد و قدمت تک‌مناره‌کنار بنبد اصلی نیز، احتمالاً مربوط به همین دوره است؛ هرچند در قرن‌های متمادی، رها تعمیر و مرمتش کرده‌اند.

و شبخانه نشانه‌های این توسعه عمرانی
شمگیر در مشهد و به ویژه حرم مطهر
صوی، تنها محدود به گزارش بیهقی

دورنمایی از مشهد دوره پهلوی دوم از سمت خیابان طبرسی

میوه‌فروش‌های دوره‌گرد

«تاریخ اقتصادی مشهد، می‌نویسند: «با ایجاد میدان بار، نرخ کلیه اجناس و ارزاق روز به‌روز تنزل کرد و علی‌رغم مخالفت اولیه، به‌تدریج متوجه نتایج و فواید عامه آن شدند. البته علافاً نقش مهمی در تنظیم بازار و استواء افلاک به نفع خود داشتند و اقدام اولیه در تأسیس میدان بار نیز مقابله با زیاده‌خواهی آن‌ها بود. پس از آن مشهد برای دومین بار در دوره مشروطه است که صاحب میدان بار می‌شود. این زمان، بلدیّه بار دیگر برای کاهش قیمت‌ها در چهار نقطه شهر میدان‌های باری تأسیس می‌کند و در آن‌ها میزان (ترازو) قرار می‌دهد تا میوه‌هایی که روستاییان با خود به شهر می‌آورند، در این چهار نقطه وزن و فروخته شود و به این صورت، بلدیّه دست‌دلالی‌ها را از بازار کوتاه کرده، نانی هم برای سفره رستنیان مهیا می‌کند.

اردلان تصویری که می بینید، میوه فروش های دوره گرد اطراف حرم هستند به سال ۱۳۵۰ خورشیدی که در کنار بساطچه های شغل های مختلف امکانات زائر و مجاور را اگرچه با کمیت نگ (درماندگی) - تأمین می می کردند. این میوه فروش ها هر صبح پیش از طلوع خورشید، گاری چوبی شان را کشان کشان تا میدان های بار شهر می بردند تا میوه را تازه و ارزان تر از مغازه ها بخرند و با سود اندک بفروشند، میدان های باری که سابقه قدیمی در تریشاند در مشهد به دوره فاجار بازی کرد و نخستین گزارش در این باره نیز به نام «أصف الدوله، ثبت شده است. گویا او در سال ۱۳۰۲ قمری با تأسیس میدان باری (مکانش مشخص نیست) تلاش می کند نرخ اجناس و ارزاق را کاهش دهد که موفقیت می رسد و با اقبال عمومی روبرو می شود. نویسندگان کتاب



فوتو مشہد